



مکتب تربیتی امام محمد باقر بر چه اسلویی استوار بود؟

امام محمد باقر (ع) پنجمین آفتابی است که بر افق امامت، جاودانه درخشید. زندگی‌ش سراسر دانش و ارزش بود، از این رو باقر العلوم نامیده شد، یعنی شکافنده دشواری‌های دانش و گشاینده پیچیدگی‌های معرفت.

امام محمد باقر (ع) پنجمین آفتابی است که بر افق امامت، جاودانه درخشید. زندگی‌ش سراسر دانش و ارزش بود، از این رو باقر العلوم نامیده شد، یعنی شکافنده دشواری‌های دانش و گشاینده پیچیدگی‌های معرفت. خصلت آفتاب است که همراه گام بر فرق ظلمت می‌نهد و در لحظه‌های تاریک، بر افق زمان می‌روید تا ارزش‌های مهجور و نهان شده در سیاهی جهل و جور را، دوباره جان بخشد و آشکار سازد.

ایشان نیز در عصر حاکمیت جور و تشنیت اندیشه‌های دینی امت اسلام، تولد یافت تا پیام آور معرفت و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) باشد. حضرت در شهر مدینه تولد یافت و بر اساس نظریه بیشتر مورخان و کتابهای روایی، تولد آن گرامی در سال 57 هجری بوده است. این نقل، با روایاتی که نشان می‌دهد امام باقر (ع) به هنگام شهادت جد خویش حسین بن علی (ع) در سرزمین طف حضور داشته و سه سال از عمرش می‌گذشته است هماهنگی دارد.

در روز و ماه ولادت آن حضرت نیز نقلهای مختلفی یاد شده است:

الف / سوم صفر 57 هجری.

ب / پنجم صفر 57 هجری.

ج / جمعه اول رجب 57 هجری.

د / دوشنبه یا سه شنبه اول رجب 57 هجری.

بیشتر محققان با ترجیح نظریه نخست، یعنی سوم صفر آن را پذیرفته اند.

تبار والای امام باقر (ع)

امام محمد باقر (ع) از جانب پدر و نیز مادر، به شجره پاکیزه نبوت منتهی می‌گردد. ایشان نخستین مولودی است که در خاندان علویان از التقای دو بحر امامت (نسل حسن بن علی و حسین بن علی علیهما سلام) تولد یافت:

پدر: علی بن الحسین، زین العابدین (ع)

مادر: ام عبد الله، فاطمه، دختر امام حسن مجتبی (ع)

مادر گرامی امام باقر (ع) نخستین علویه ای است که افتخار یافت فرزندی علوی به دنیا آورد. 9 برای وی کنیه‌هایی چون ام الحسن و ام عبده آورده اند، اما مشهورترین آنها، همان ام عبد الله است. در پاکی و صداقت، چنان نمونه بود که صدیقه اش لقب دادند.

امام باقر (ع) مادر بزرگوار خویش را چنین توصیف کرده است: «روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگهان دیوار ریزش کرد و در معرض ویرانی قرار گرفت، مادرم دست بر سینه دیوار نهاد و گفت، به حق مصطفی (ص) سوگند، اجازه فرو ریختن نداری. دیوار بر جای ماند تا مادرم از آن جا دور شد. سپس دیوار فرو ریخت.»

لقب «باقر» مشهورترین القاب آن حضرت بشمار می‌آید و بیشتر منابع بدان تصریح کرده اند. در بیان فلسفه تعیین این لقب برای وی، آمده است: شکافنده معضلات علم و گشاینده پیچیدگی‌های دانش بود و به دلیل گستردگی معارف و اطلاعاتی که در اختیار داشت، باقر نامیده شد.

تربیت فرزند یکی از مهم‌ترین وظایف والدین و مربیان در عرصه زندگی است. تربیت به معنای شکوفا نمودن استعدادهای درون انسان‌ها و هدایت غرائز نهفته آنان به سوی قله کمال و رستگاری می‌باشد. تربیت مجموعه تلاش‌هایی است، سنجیده و منظم برای نیل به هدف‌های مشخص و شکوفا سازی توان‌های بالقوه در تمام ابعاد وجودی انسان و به عبارت دیگر می‌توان تربیت را انتقال میراث‌های فرهنگی مطلوب و ارزشمند از نسلی به نسل دیگر دانست.

به طور کلی، مجموعه تلاش‌ها، فرصت‌ها، اقدامات، امکانات و برنامه‌ها از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرد به طور همه جانبه تا رسیدن به حداکثر ظرفیت را تربیت می‌نامیم.

از آنجایی که امامان معصوم شیعه بهترین شیوه‌های تربیتی فرزند را فرا روی پیروان خود نهاده‌اند، زندگی پر افتخار آنان می‌تواند به عنوان موفق‌ترین الگوهای تربیتی در طول تاریخ بشر مطرح شود. در این نوشتار به مناسبت اول ماه رجب، روز ولادت امام محمد باقر علیه السلام روش های تربیت فرزند را در سیره و سخن آن گرامی بررسی نموده و برخی نکته‌های قابل توجه را ارائه می‌نماییم.

نقش تربیتی والدین

پدر و مادر به عنوان دو رکن اساسی خانواده بیش‌ترین نقش را در تربیت فرزندان ایفا می‌کنند. مادر از زمان انعقاد نطفه تا دوران نوجوانی ارتباطی تنگاتنگ با کودک دارد. خصلت‌ها، اندیشه‌ها، افکار و رفتار مادر بیش‌ترین تاثیر را در ساختار شخصیتی يك نوجوان به جای می‌گذارد. مادر همانند يك معلم، مربی و الگوی گفتاری و رفتاری کودک به حساب می‌آید.

او یکی از عوامل مؤثر تربیتی از نظر محیطی و وراثتی است. به این جهت برای پرورش فرزندان سالم و صالح، باید از زمان ازدواج در اندیشه انتخاب مادر شایسته برای فرزندان بود. چرا که از منظر حضرت باقر علیه السلام تربیت کودک از همان مرحله آغاز می‌شود.

امام باقر علیه السلام در روایتی به تاثیر شیر مادر در اطفال اشاره کرده و به محمد بن مروان فرمود: «استرضع لولدك بلبن الحسان، وایك والقباح، فان اللبن قد یعدی؛ برای شیر دادن به فرزندت از دایه‌های خوشرو و زیبا استفاده کن و از زنان بد صورت و قبیح برحذر باش، زیرا شیر گاهی (صفات و ویژگی‌های روحی مادر را به فرزند) منتقل می‌کند.»

در این گفتار امام پنجم علیه السلام از تاثیر شیر مادر در انتقال زشتی‌ها و زیبایی‌های ظاهری مادر به فرزند سخن به میان آورده است.

بنابراین نقش وراثتی و محیطی مادر در تربیت فرزندان نباید مورد غفلت قرار گیرد. گذشته از تاثیر مادران در نسل آینده، وجود پدر نیز به عنوان مدیر خانواده نقش به سزایی در ساختار شخصیتی کودک دارد. طبق فرموده امام باقر علیه السلام، صلاحیت و شایستگی‌های پدر از جمله خصلت‌هایی است که در پرتو آن فرزندان از انحرافات و کجروی‌ها محفوظ می‌مانند. آن حضرت فرمود: «یحفظ الاطفال بصلاح آبائهم؛ اطفال در سایه صلاحیت و شایستگی پدرانشان [از انحرافات] مصون می‌مانند.»

در حقیقت مجموعه اعمال، رفتار و گفتار پدر، در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک کار ساز خواهد بود. افزون بر این پدر به عنوان مدیر اقتصادی خانواده می‌تواند با کسب درآمد صحیح و به دست آوردن روزی حلال در روحیات و صفات کودک، تاثیر قابل توجهی داشته باشد. به همین جهت امام باقر علیه السلام به پدرانی که تلاش می‌کنند سفره‌های منازل خود را با روزی حلال بیاریند مژده می‌دهد که: «آنان در روز قیامت با سیمایی نورانی همانند ماه شب چهارده با خداوند ملاقات خواهند نمود. لقی الله عزوجل يوم القيامة ووجهه مثل القمر ليلة البدر.»

تکریم شخصیت کودک

مربی شایسته با بهره‌گیری از روش‌های متنوع، به تکریم شخصیت کودک می‌پردازد و از این طریق زمینه تربیت صحیح و اعتلای صفات نیک را در وجود او فراهم می‌سازد. او می‌داند که مهم‌ترین مشکل کودکان و نوجوانان، احساس حقارت و عدم اتکا به نفس است و انسان همان طور که به آب و غذا نیازمند است به تکریم و توجه دیگران نیاز دارد، بلکه این نیازهای عاطفی و معنوی او به مراتب بیشتر از نیازهای جسمانی اوست.

عمده‌ترین دلیل ناسازگاری در فرزندان و علت بسیاری از ناهنجاری‌ها را باید در احساس حقارت و کم توجهی والدین به فرزند جست وجو نمود. این فقر روحی و روانی را می‌توان از راه‌های زیر بر طرف نمود:

الف) گزینش نام نیک

نام هر شخص نشانگر اعتقادات، ملیت، فرهنگ و خواسته‌های درونی او و خانواده‌اش می‌باشد. اسمی که برای يك كودك انتخاب می‌شود در تکریم و تحقیر شخصیت وی نقش دارد. کودکانی که نام زیبا و پسندیده دارند، غالباً مورد تقدیر و توجه دیگران هستند و از شنیدن تمجیدها و افتخاراتی که نامشان موجب آن است لذت می‌برند؛ بر عکس کسانی که والدین آنان هنگام انتخاب نام به معنی و محتوای آن بی توجه بوده و يك اسم نامناسب و بیگانه از فرهنگ خودی را برای فرزند خود انتخاب کرده‌اند، در آینده احساس حقارت نموده و احیاناً مورد ملامت و سرزنش قرار خواهند گرفت.

در سیره امام باقر علیه السلام به این نکته توجه خاصی مبذول شده است. آن حضرت در مورد انتخاب نام زیبا برای فرزندان چنین رهنمود می‌دهد: «اصدق الاسماء ماسمی بالعبودية وافضلها اسماء الانبياء؛ دوست داشتنی‌ترین اسم‌ها آن است که حاکی از بندگی خدا باشد و بهترین آن‌ها نام‌های پیامبران است.»

امام پنجم علیه السلام نام‌های فرزندان خویش را نیز از بهترین نام‌ها برگزیده بود. نام‌های فرزندان آن حضرت بدین ترتیب است:

1- جعفر علیه السلام 2- عبدالله 3- ابراهیم 4- علی 5- زینب 6- ام سلمه (5)

پیشوای پنجم به این شیوه تربیتی آن چنان اهمیت می‌داد که حتی دستور داده بود پایین‌ترین طبقات اجتماع را هم با القاب و نام‌های تحقیرآمیز صدا نکنند، بلکه با بهترین نام‌ها از آنان یاد کنند و می‌فرمود: «سموهم باحسن اسمائهم (6)؛ با نیک‌ترین نامشان آن‌ها را صدا بزنید.» و به این ترتیب از توهین و تحقیر شخصیت آنان جلوگیری می‌نمود.

ب) گفت و گوی صمیمانه

یکی از راه‌های انتقال آموزه‌های تربیتی به کودکان و نوجوانان ایجاد ارتباط کلامی با لحنی دلپذیر می‌باشد. تجربه نشان می‌دهد که اگر لحن و صوت والدین، مربیان و مبلغان در ارتباط کلامی دارای بار عاطفی و مثبت باشد، آنان در ایجاد ارتباط و نفوذ در دل مخاطب نوجوان موفق خواهند بود. کلمات دلنشین، سخنان نیکو، ملایم و محبت‌آمیز از مشکلات روحی و ناهنجاری‌های کودکان و نوجوانان کاسته و رنج‌های درونی آنان را التیام می‌بخشد.

ریشه بسیاری از تندخویی‌ها، خشونت‌ها، لجبازی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، افسردگی‌ها و گوشه‌گیری و ناامیدی‌ها را می‌توان با ارتباط کلامی صحیح و نیکو از میان برداشت. امام باقر علیه السلام با اشاره به این شیوه کارآمد تربیتی می‌فرماید: «قولوا للناس احسن ما تحبون ان یقال لکم؛ به زیباترین صورتی که میل دارید مردم با شما سخن بگویند با آنان سخن بگویید.»

آری همانطوری که انسان دوست ندارد دیگران با او بی ادبانه، خشن، آمرانه، خشک و با لحنی تند سخن بگویند، دیگران هم چنین انتظاری از او دارند. این نکته در مورد ارتباط کلامی با کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش کلیدی در تربیت ایفا می‌کند. زیرا روح کودکان لطیف‌تر و تحمل آنان کمتر می‌باشد.

ج) سلام دادن به فرزندان

سلام دادن به کودکان عزت نفس را در آنان تقویت می‌کند و یکی از بهترین راه‌های ارتباط اجتماعی و نفوذ در شخصیت کودکان است. این عمل که یکی از والاترین آموزه‌های تربیتی دین مبین اسلام به شمار می‌رود نکات مثبت فراوانی را در خود جای داده است که از جمله آن‌ها: تقویت روابط بین مربی و متربی، رفع کدورت و ناراحتی‌های احتمالی، تقویت روحیه‌ها و نزدیکی دل‌هاست.

گذشته از این‌ها سلام دادن والدین و مربیان با صدای رسا و آهنگی دلنشین به فرزندان، عزت نفس را در آنان تقویت نموده و روحیه خود باوری و احساس شخصیت را در وجود آنان استحکام خواهد بخشید و آنان نیز اینگونه عادت خواهند کرد.

اگر این عمل ادامه یابد، تربیت كودك توام با نشاط و موفقیت پیش خواهد رفت. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «ان الله یحب افشاء السلام؛ خداوند دوست دارد که سلام با لحنی رسا [و دلپذیر] باشد.» و این نکته برگرفته از آموزه‌های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که فرمود: «پنج چیز را تا لحظه مرگ ترك نخواهم کرد... که یکی از آنان سلام کردن به کودکان می‌باشد، تا بعد از من يك رسم رایج شود.»

(د) ابراز محبت به کودکان

یکی از راه‌های پرورش اعتماد به نفس در فرزندان، ابراز محبت به آن‌هاست. کودک همان طوری که به آب و غذا نیاز دارد به محبت هم نیاز دارد. بوسه زدن بر صورت فرزند، به آغوش گرفتن، گفت و گوی محبت‌آمیز، نوعی اظهار علاقه و محبت است. این عمل فقر عاطفی کودکان را جبران کرده و روحیه اعتماد به نفس و خودباوری را در آنان تقویت می‌کند و در نتیجه زمینه تربیت صحیح در وجود آنان فراهم می‌گردد.

امام باقر علیه السلام در موارد بسیاری از این شیوه تربیتی در مورد فرزندان خود استفاده می‌کرد. چنانکه محمد بن مسلم می‌گوید: در حضور امام باقر علیه السلام بودم که فرزند خردسالش جعفر وارد شد. پیشوای پنجم فرزندش را به آغوش کشیده و به سینه خود چسبانید و آن‌گاه با کلمات زیبا و محبت‌آمیز با وی به گفت و گو پرداخت.

نقش پررنگ هنر در تربیت

هنر در حوزه تربیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که امروزه هنر در قالب فیلم، نمایش، خط، شعر، خطابه، سرود، نقاشی و... تبلور یافته است، و این روش طرفداران زیادی در میان کودکان و نوجوانان دارد، استفاده از آن در تربیت کودکان و نوجوانان روشی موفق و جذاب می‌باشد.

تاثیر آموزه‌های تربیتی با این شیوه به صورت غیر مستقیم، عمیق و ریشه دار است و می‌توان به وسیله آن به اعماق وجود مخاطب نفوذ کرده و او را تحت تاثیر قرار داد. امام باقر علیه السلام برای هنرمندان متعهد ارزش ویژه‌ای قائل بود و در فرصت‌های مناسب آنان را تشویق و ترغیب می‌نمود.

یکی از هنرمندان متعهد و زبر دست معاصر با آن حضرت، شاعر معروف، کمیت بن زید اسدی است. وی علاوه بر این که مسائل تربیتی و دینی را که از طریق فرهنگ اهل بیت علیهم السلام آموخته بود در قالب ابیات و اشعار سحرآمیز به نسل‌های بعدی منتقل می‌کرد، با سروده‌های خود ستم‌های بنی امیه را نیز افشا می‌نمود.

کمیت اسدی شبی در مدینه به حضور امام باقر علیه السلام رفت و بخش‌هایی از قصیده میمیه خود را به آن حضرت عرضه کرد. وقتی به این بیت رسید: «و قتیل بالطف غودر منهم... بین غوغا امة و طغام / و کشته شده در سرزمین طف که از سوی آنان به او خیانت شد. در میان هیاهوی مردمی پست و فرومایه.» امام باقر علیه السلام با شنیدن این جمله منقلب شد و با چشمانی گریان فرمود: ای کمیت! اگر در نزد ما مال و ثروتی بود به تو می‌دادیم، اما به تو همان سخن را می‌گویم که پیامبر صلی الله علیه و آله به حسان بن ثابت فرمود: «لا زلت مؤیدا بروح القدس ما ذببت عنا اهل البيت / تا زمانی که از ما خاندان دفاع می‌کنی مورد تایید روح القدس خواهی بود.»